ایرانیان استانبول
حسن حضورتی و دیگران
ایران‌یان استانبول
به یاد
محمدمین ریاحی
ایرانیان استانبول

ترجمه و تأليف
حسن حضرتی
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و همکاران

به گوشش
محمدحسین صادقی

 لوگوس
سشناسه: حسین حسن، ۱۳۴۹
عنوان و نام بنداروی:
ایرانیان استانی / ترجمه و تالیف حسین حسنزاده و همکاران، به کوشش محمد حسین صادقی
مشخصات نشر: نهاران، لُگوس، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۳-۸۸۲۷۵۸-۲-۹
وضعیت چاپ: پرسکیتی، فیبا
موضوع:
آرمان -- روابط خارجی -- ترکیه -- قرن ۱۳ ق. حزب اتحاد و ترکیه، حزب عدالت و توسعه (ترکیه):
سفران ایرانی -- ترکیه، ایران -- روابط خارجی -- ترکیه -- قرن ۱۳ ق. ترکیه -- روابط خارجی -- ایران -- قرن ۱۹ م.:
ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه -- ۱۲۲۴--۱۳۴۳: ص -- استاند و مدیرک، ترکیه -- تاریخ -- ایران: صادقی، محمد، عثمانی، ۱۲۸۸--۱۹۶۸ م.:
شناسه افزوده صادقی، محمد، ۱۳۷۷-۱۴۰۱: گوگوردی.
رده بنی دیگه:
رده بنی دیگه، صادقی، محمد، ۱۳۷۷-۱۴۰۱: گوگوردی
شماره کتاب شناسی ملی:
۸۷۶۵۶-۰۱

ایرانیان استانی
ترجمه و تالیف: حسین حسنی و همکاران
به کوشش محمد حسین صادقی

<table>
<thead>
<tr>
<th>طرح جلد: حسین راست منش</th>
<th>ویراستار: ع. رهمنا</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جلد اول: ۱۴۰۱</td>
<td>شماره: ۲۵۶۷۸۸۸۵۰۳۹۸</td>
</tr>
<tr>
<td>شمارگان: ۳۰۰</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

برای اطلاعات بیشتر کد فوق را استرک کنید و به وبسایت نشر لُگوس بروید.

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکیه یا تولید مجدد آن کلی یا جزئی، به هر شکل اعم از چاپ، فتوگراف، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بستگی مالکیه می‌باشند و به‌طور جداگانه از نشر لُگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com
تماس با مرکز پخش: ۹۰۲ ۱۵۴ ۱۴۲ ۲۰۰۲

www.irlogos.com
# فهرست مطالب

1. ترجمه حسن حضتری و محمد حسین صادقی
2. میرزا محسن خان معین الملک و سفارت عثمانی
3. انجمن سعادت ایرانیان استانبول و تحولات مشروطه ایران
4. حسن حضتری و سیده شبنم شمس الدین
5. جمعیت اتحاد شرقی و ایران
6. حزب عدلت و توسعه (سال های ۱۳۵۵-۰۲)
7. سالشناس تاریخ عثمانی
8. خلیل اینالچیق؛ ترجمه حسن حضتری و محمد حسین صادقی

**نمایه‌ها:**
دیباچه

آنچه پیش روی خوانتندگان فرانسه قرار دارد، جستارهایی درباره ایرانیان استانبول است. مقالات منتشرشده و ناشندهایی که بیشتر آنها به فعالیت‌های ایرانیان استانبول و مناسبات این دو کشور در جهات مختلف (از جمله مناسبات فکری) می‌پردازد، از حیث زمینه هم بیشتر گفتارها مربوط به دو قرن نوزده و بیست است. قروینه که هر دو کشور با مشکله جدی به نام تجیب غربی روبه‌رو بودند، به همین روسیه این دو دلت مسلمان تن حدودی در این دوران در خیال دو کشور می‌پیش آرای کنار هم استادند. به چنین آن‌ها در مقابل هم صف‌آرا به تندی. حالا دیگر هر دو کشور مسلمان همسایه با یا مسئله غرب فکری تکلیف خود را روشن می‌کنند. این موضوع، محیط‌سازی آن بود که همچنان خود را بسیار نرخ ریش، افسانه‌ای و زنده درگیر منازعات خونین مرزی و مذهبی بکنند. اینک غرب تمامت هویتی دینی و ملی و مشروطیت سیاسی حاکمیت آنان را به جالش کشیده بود. نمایانضوری بود از منازعات خرد میان خود دست کشیده و درباه پیده نوظهوری به نام مدرن، به مدیریت عالم مسیحیت، تأمینات فکری و سیاسی عمیق داشته باشند. طرفه آنکه هر دو کشور مسلمان متاثر از تحولات غرب فکری، با مطالبات مشروطه‌خواهی جدی روبه‌رو بودند. حتا بیشتر از مشروطه‌خواهی، دریگر ظهور جریان‌هایی بودند که در غذشته آتش میان مولفه‌های مدرن و آموزه‌های دینی داشتند. در این تکاپوی مرزی میان دولت‌های ایران و عثمانی نبود. اخیرا ایرانیان در استانبول به جد در تلاش بودند. اختلاف‌تری شاخص به نمایی کمک به مشروطه‌خواهی در ایران برمی‌آمد و حتا در بهره‌ای به سمت ایران حکمت می‌کنند تا یارسان نوگراپیان ایرانی باشند. همه این اتفاقات، چالش‌های جدی پیش روی دولت‌های ایران و عثمانی بود تا موضع خود را درباره موافقت و با مخالفت با مقوله‌ای فراگیر به نام مدرنیت مشخص کند. همین امر نقطه‌
تلاش مسائل دو کشور بود تا تکلیف خود را با آن روش سازند. جستارهای بیش رو
می کوشد تا پرتوی بیفکند به آین تکاپو و نشان بدهد آنچه اتفاق افتاده، در اساس و
بیدار چگونه بوده و چه‌ماهیتی داشته است. نیز در تلاش است تا نشان بدهد دو کشور
همسایه چگونه نسبت به آن‌ها در جوارشان رخ داده، پی تفاوت تبودند و به اشکال و
گونه‌های مختلف در له با علیه بدان واکنش نشان دادند. برجای به سامان رسیدن اثر حاضر رهین لطف و محبت دوستان و همکاران ارمنی‌دی

بودم:
- دانشجوی پرتوی آقای محمدحسین صادقی که آین متن به کوشش ستودنی
- ایشان آماده نشر می‌شود.
- همه همکار-نویسنده‌های گرامی که بار دیگر متن را خوانده و اصلاحاتی اعمال
  کردن.
- ویراستار محترم که با دقت و وسوسه کم‌نظیر به پاک‌گی‌ای اثر افزودن.
- دوست گران‌درکی در اصغر سلطانی مدیر محترم نشر لوطوس و همکاران محترم
- ایشان که به شکل بسیار مطلوب اثر حاضر را به زیور طبع آرستند.
حسن حضرتی
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

تهران-دب ماه کرونایی 1400
پیشگفتار

ایران و عثمانی به عنوان دو کشور دیرپایی از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ برخورد هستند. آل عثمان که تنوع و بودن غرب قرون هشت و نهم ق. جهاد‌های و پانزدهم م. بر قدرت خود افزوده و ردایی دولتی نیرویند برد. قاپس امیرشیهین کوچکس پوشاند در آواز قرن 9 و اوایل قرن 10 ق. 1649 م. به تدریج متوسط سرمایه‌های شرق آسیایی شده و به همسایگی ایران نهادند. از آن پس بود که تاریخ این دو سرمایه در هم آمیخته بوده و به گونه‌ای که می‌توان با رهبر عثمانی در سیاسی از صحفیات تاریخ ایران و با بالعکس رو به رو شد. این را یافته‌ایم از آن تأسیس امیرشیهین عثمانی تا پایان عمر این "دولت ابتدایی" خواه آشکار و خواه نهان، فصل مشترکی است که تاریخ این دو همسایه چند صد ساله را به هم پیوند داده است.

از جمله موضوعات شایان توجه در مناسبا تی ایران و عثمانی "اریتیان استانی" است؛ به‌طور ممکن که رنگ هجرت به جان خرد به ویژه در استانی و اشتغال به انواع فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، صحافی درخشانی در تاریخ مناسبات این دو همسایه ورق زدند. در مورد نظر، تاریخ این همسایگی هنوز آنچنان که شایسته است مورد توجه صاحب نظران قرار نگرفته است؛ از این رو، اثری که پیش روی خوانندگان فرجانه قرار دارد تلاش کوچکی است برای رفع این کاستی. از خلاص این اثر که شامل هفت کنفران درباره تاریخ عثمانی، ایرانیان استانی و نقش آنها در مناسبات ایران و عثمانی است، می‌توان آگاهی های سودمندی در ارتباط با مناسبات این دو همسایه به دست آورد. کنفران نخست اثر حاضر ترجمه‌ای است از گزارش بیدکی از جنگ مشروطه‌خواهی ایرانیان. این گزارش که به سری زیبا و همدل‌اند از سوی یکی از اثبات عثمانی آماده شده و همان زمان در عثمانی به چاپ رسیده بود نشان دهنده نوع تغیه اهل نظر عثمانی به
با مسیریگری اصلی میدان سیاست ایران در آن زمانه (از جمله محمدعلی شاه، سلطان خان و ...)، اوضاع سیاسی و اجتماعی، جنبش مشروطه‌خواهی و سیاست روسیه و انگلستان در برتر ایران است. گفتار دوم به سهارت میزبانی بیان علیه دولت ایرانی و ارتباط آنها با جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان برد. در این گفتار با بهره‌گیری ویژه از مراجع همچون روزنامه‌ها و استاد آریامی، انجمن سعادت ایرانیان استانبول و ارتباط آنها با جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان برد. در این گفتار با بهره‌گیری ویژه از مراجع همچون روزنامه‌ها و استاد آریامی، انجمن سعادت ایرانیان- به عنوان یکی از سازمان‌های ایجاد کننده این کنفرانس های ایرانی در قلمرو عثمانی- و کارکردهای آن معرفی و تبیین شده است. گفتار پنجم مربوط به میزبان‌ضاورخی رئیس‌الدوله و سفارت وی در استانبول است. در این گفتار نیز مانند گفتار دوم تلاش بر این بود تا بهره‌گیری از مراجع دست اولی همچون اساتید اارتفاع و روزنامه‌ها و وزارت امور خارجه ایران، کارنامه‌ساز رئیس دولتمرد بر جسارت عصر قاجار که همچون میزبانی بیشتر بود. گفتار ششم به ترجمه مقاله‌ای در ارتباط با مبانی اتحادیه درباره ایران اختصاص یافت. این مقاله به بحث عدالت و توسعه و کارنامه‌آمیز آن از ۱۳۰۲-۱۳۰۲/۳۱۳۹، اختصاص به آن است. این گفتار که ترجمهٔ فلزی‌پایانی- و تقیب‌اً تازه نگاشته شده- تاریخ نوین ترکیب اثر اریک جی. زورخ است. گفتار مختصر و مورخانه‌ای است. از آنچه در سال‌های اخیر در ترکیب، وارد آن همسایه‌ای که رمخاده‌ای تاریخ عثمانی موجب شده تا بزرگتر سالشمار تاریخ عثمانی، نوشتهٔ خلیل اینجا پیش در استانبیل رفع این کاستی اقدام شود.

محمدحسین صادقی
دانشجو دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران
تهران، دی ۱۳۵۰
۱. مطرح‌های ایران به روایت بديک
ترجمه حسن حضوری و محمد حسین صادقی

۱. بديک بپيش رو برگردان گزارشی است درباره مطرح‌های ایران به قلم نوبندهای به نام بديک که در ۲۱ هری‌یار ۱۳۵۹ رومی / ۲۵ جمادی‌الآخر ۱۳۲۸ ق. / ۴ جولای ۱۹۱۰م. در شماره ۲۱ از سال چهارم مجله «رسمی کتاب» در صفحات ۷۵۶–۷۸۶ انتشار یافته است. شوراینامه جستجوی ما درباره هواي اين شخص نتیجه‌اي نداشت، لين از خلاص متن و آگاهى هاى ريزى كه وى از برخى رخدادهای مطرح‌های ایران به دست مى‌دهد، يکيا توان چنين نتیجه‌گرمينى كه به احتمال وى از روزنامه نگاران مطرح‌های خواه عماني است كه يا در ايران (تهران يا تبريز) حضور داشته و يا ازبنايي نزيک با اين دو كانون مطرح‌های خواهى داشته است.

اين مقاله در ايران برای غنستين بار به همت استاد ابرچ افشار معرفى و به صورت عكس برگردان به چاپ رسيد. ابرچ نشدن اين متن موجب شد با وجود گذشت پيست سال از انتشار، پژوهشگران ايرانى توجهى به دان نشان نداده و از آن پي بهر مانند. اين نکته در كنار اهميت گزارش غریريانى از مطرح‌های ايران و رخدادهای مربوط به دان، نگارنگان

۱. ابرچ افشار، دفتر تاريخ، مجموعه اسناد و منابع تاريخي، جلد دوم، تهران: بهنود موقوفات افشار، ۱۳۵۰، صص ۸۴۵–۸۸۱.
**شکست روستایی بر اساس شرقی قرن‌های گذشته برخی توضیحات دیگر از مترجمان است.***

**۶ ایرانیان استانی‌اند**

این سطور را به فکر ترجمه این گزارش ارائه است که جامعیت کار پیش روی خوانندگان محترم قرار دارد. زبان‌نامه متن، ترکی عثمانی است و در ترجمه نیز نلایش و این بود تا اصل متن حفظ شود. با این حال و برای بهتر بیان آسان خوانندگی فارسی، زبان در حد امکان از معادله فارسی عبارات ترکی عثمانی استفاده شده است. تصاحب‌های ارائه‌شده در متن، از نظریه میلادی با ماهه‌ای رومی است. تمام پاورپوینت‌ها شامل معادله‌های هجری قمری تاریخ‌ها و بخشی توخالی که در شرق رخ داده است را با ازدای در آگاهی و پیروزی های زاین که در خاور دور، روز به روز در حال ترکی خارج می‌شود، جستجو کرد. پس از شکست‌های جورجیا و جوزفیا، شرکت دیگر دولت‌های متفاوت را شکست‌شناسانی به شکست‌تفاوت‌های مهم دنبال می‌نماید. با مشاهده سرنوشت‌های انقلاب آن در برای ارثیه و جهت ارثیه را می‌زنند، با کمال شورا و نشان برای به‌ناهه رساندن آزمایش وطن پرستائی‌های که از سالهای پیش پرورنده بودند، سر از پا نمی‌شناختند.

انتقال کیف فرآینده به تمام اروپا جریان درب می‌کند که در اندیشه‌های جدید، عادت مطلوب، برای همکاری و آزادی کامل را از حقوق طبیعی بشر خواند و آن را با اعلامیه حقوق بشر به هرسوی نشر و کنترل‌رسانی‌های بین‌المللی، برای آزادی خواهی که فرآینده در میان آگاهی پرحیزی کرده بود، تنها در اروپا متنشان شد و به مدت یک قرن از آن گسترش خارج نشده. آسیب‌های پرورشی که به محلی بشریت و مدنیت بود، از آواز خوش آزادی مروج مانده و در حالی که [ساختارش] تحت ستم و سوادبسته‌بوده تا دیداران مستند، ظالمان و جبران تاله می‌کردند، خورشید آزادی که از اقصای شرق طلوع کرده، بورد برآوردهای شرقفیان صمیمی‌ده و پیچاره پرتویی از نور می‌تاباند.

آمیز، قرار آسیا به خاطر عوامل و تبعات قدردانه که در اعمار و ادوار متعدد و متوالی به دنبال خود کشیده، مقدمات به دست سمت انتگلیس و روسیه افتاده است؛ به طوری که در صفحات مختلف روابط‌های مهمی که در فحن نزدیک‌های در مالک شرق رخ ۱. شریانک، شهری در چین.
۲. تسویمیا، تبریز در دوازدهم و ۸ می ۱۹۰۵م و ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۳ق، بین روسیه و زاین که به شکست روستایی منتشر شد.
در ایران گروه‌های مختلف و به ویژه ملت حاکم‌مان [مسلمانان] که زیر پنجه آهنین نظامی خودکامه ناله سربی داندند، از محتوی گاه‌های شان بیرون آمده و به نشر اندیشه‌های آزادی خواهانه در میان طبقات مختلف پراشاندند. این دست که از آنجایی که به عنوان خصوصی پایه‌گذار اصول مشارکتی به مشارکتی و در برادر افکار آزادی خواهانه که به اعتبار عموم مردم روابط گرفت نظر کرد و پای در دوی استبداد گذاده‌نشد بود و جریان مبادی به طور موقت صرف نظر کرد و پای در دوی استبداد گذاده‌نشد بود و شرق‌هایی که اهمیت بودند از هر گونه هیمناری و جمایت اروپا-سرزمین وایلی مشورت و آزادی-پهروند شوند، دریافتند که این بار متمدنترین ملت‌ها هم [فقط] صورت ظاهری آزادی را در نظر گرفته و در پایان کردن آزادی برای منافع سیاسی تریدیدی به خود راه نمی‌دهند. اما در نهایت ایرانی‌ها فریاد: «نیروی ما برایان کافی است، به یاری و دوستی دیگران انتباحسی نداریم؛ به شرطی که آنها در راه مشارکتی خواهی مانع حکمت ما نشوند» را سر دادند.

امروز در هر جا که زمینه و زمانه متفاوت است، ویژگی‌های اخلاقی هر ملتی، محفظه‌زادگی، حیات اجتماعی و خصوصی اش نیز دیگرگون است. البتة که عادات و رسوم قدیمی و ویژگی‌های اخلاقی که از نیکان‌اشان بدان‌ها منتقل شده، از تأثیرات خارجی که بعدا حاصل شده قویتر است. ایرانیان سال‌هاست که تحت استبداد مطلقه شاهان و
تزارها زورگر می‌گذرانند، اما [همواره] با شوق فراوانی به اندیشه‌های آزادی خواهانه که در غرب حکمرانی بود، می‌نگارند؛ البته که سرخ و مفاسد آن خانه‌های زیادی خواه، اربابان و تمام جامعه استبداد تا رگ‌هایشان ریشه دوانده و احساسات‌شان را زیرپوست کرده شود. اما تمام این‌ها از انگیزه‌های آزادی است؛ انسان در سابقه جنین انگیزه‌ها و تشویق‌های است که اجتهاد و هماهنگی را تقویت و به وطن و هم‌وطنان کرده‌ایم، اوقات هم برای تمام جهانیان خدمات بزرگی ارائه می‌کنند.

در ایران حق مالکیت، آزادی اندیشه و عقیده و آزادی عمل وجود نداشت. فقره‌ای بی‌پیچه که تحت نفوذ و تأثیر اربابان به زنگیر کشیده شده‌اند، هرآن‌که روزهای به دست می‌آورد با ایشان تسلیم می‌کند. تمام رسته‌ها و زمین‌های سطح تحت تصرف اربابان است که یک [خوارک] روزهای مختصر آنها را به کار گرفته و همان‌طور که این بی‌پارگان را شکنجه می‌کنند، همه‌ها حق شان را هم غصب می‌کنند. اینکه فلکت و بچه‌گیر روز به روز در مملکت شاهان به مرحله غیر قابل تحسین رسیده، به‌طوری‌انجام فوران کرده از قلب‌ها آن‌همه گوش حمقی می‌رود و به‌طوری‌انجام می‌کنند. شاهان اجازه نمی‌دادند که جوانان ایرانی در دارالفنون‌های اروپا تحصیل علم و معرفت را ادامه دهند و به جای آن میان برداشتن فلکت و بچه‌گیری عمومی که بر سرمرد مملکت جهاد شده‌بود، گل‌بود. گل‌بود و سوء استفاده اربابان که با زور حاکم شده بودند را گسترش می‌دادند. اما اگر فلاحانه به تدریج بی‌پارگان شدند، همه از استبداد و عدالت حکومت به سووت آمده و خسته شده بودند. کم نشانه‌های یک انقلاب و فوران عمومی به جنش می‌آمد. مظفرالدین شاه این‌ها را احساس کرده، از فلکت عمومی خبردار بود؛ اما به سبب ترس از نفوذ و تأثیر وقوع یک مشروطه نیازمندی بودند. تا این‌که بی‌پارگان در کنار دور و شکست روسیه، صحیح، اجتماعی آسیا را دیگر برگردد. به تدریج اینه فهمیدند مشروطه که البته به خواسته مشترک، این همه در قلمرو، اربابان را در مقدار ممکن به حیات مملکت نشان خواهد داد.

نتیجه، جناب نیکولار بهتری تسمین هیجان عمومی و جلوگیری از اوج گرفتن اغتشاشات که پس از شکست موقت حاکم شده بود، جهان به نظام مفید شد، 1905-1906 گردید. در همان زمان، ایران که گمان‌های شد حکمرانی از آن سر پزند، پای به میدان انقلاب
1. مشروطه ایران به روایت بدیک ... | 9

نهاده و به سرعت بهترین نمونه مجاهمت، موجودیت ملی و ماهیت تمدنی اش را نشان داد. حکام، خانها و ایرانیان در حالی که چنین حکمت آنی را از مجاهمان ایرانی انتظار نداشتند، به تناقض و فهمیدن که قرار است به خستگی استفاده خدشهای ای در نقش بندد. از آن زمان، احراز ایران که در میزان مجاهمت، جسارت و فعالیت خارجی والدهای نشان داده، یا غیر مبارز، به قوانی استفاده عزم جدی شان برای استرداد حق آراگی از دست ایادی خاصی را به ره کشیدند.

وضعیت سیاسی ایران نگران کننده و وضعیت خارجی و داخلی اش بسیار مشوش بود.

سپهر [سیاسی] اش همواره توسط ابرهای کثیف و سپاه پرشیده و جلوه‌گاه زیاده خواهی سیاسی شده بود. روسیه و انگلیس که در حقیقت مالک نیمی از ملکت بودند، برای تذکر به قیمت‌ها بین خودشان در نهایت با هم انتلاف کردند. اما ظاهراً هیچ نشانه‌ای از این انتلاف به جنش و جوش خورده؛ چون یکی به عنوان مدافع حقوق مردم و دیگری هم به عنوان پیش‌بینه برای واقعیت‌های شاه با یکدیگر رقابت داشتند، اما کدامیک موفق می‌شد؟ اگر مجاهمین حرف موفق به اعلان مشروطه خود، انگلیس به دفع می‌رسد، در غیر این صورت روسیه بر خلاف انتلاف پنهانی که به دو لغت انگلیس داشت، در قضیه تقسم ملکت موافقی بی‌چهره به دست می‌آورد. اما آرزوهای روسیه در برای حیت و فعالیت وطن پرستانه احراز ایران ناکام ماند. در انگلیس اختیار مجلس مبعوثان و وزیر خارجه را مدام استیضاح نوید و توصیه به خواجه‌ایان از تروریت و تجاوزات روسیه می‌کردند. مطروحات انگلیس سیاست منحوسی که انگلیس و روسیه در ایران تعقیب می‌کردند مورد تفکیق و اتفاق داده و آن را خلاف آزادی انسانی می‌دانستند. از طرف دیگر، روسیه به حاکم بدون انصاف‌هایی که در انگلیس حاکم بود و با دریافت این که فعلاً به توانایی بر خلاف انتلاف مشروطی که با آن حکومت داشته‌افدامی کند، راه انتخاب شورش‌های داخلی، از سوی طرفداران مستبدان ایرانی از شوری و از ویژه دیگر با فرصت‌دان مأموران مخفی برای ایجاد آشوب تلاش می‌کرد. هدف از این، به دست آوردن حق داخلی عمل پس از شورش‌ها بود. در نهایت حکومت انگلیس به خاطر وجود بحران...
تأثیرات و از باب وارد نشدن خلیل در شهرت و شرافتی که قوم انگلیسی‌های از گذشته درباره دعوته‌ای آزادی انسان به دست آورده بود، برای ترویج خواهش‌های احراز ایرانی، مظفرالدین شاه را محور به اعلان مشروطه‌کردن. بنابراین رخی روایات در پی اصرار و پیشنهاد های مکرر آلما، حکومت انگلیس بر خلاف مناقشات سیاسی خود برای اجرای مشروطه در ایران محور به نقش افرویشی شده بود. حتی اگر این طریق هم گفتگوی شده باشد و از روایات هر نتیجه‌ای که به دست آید، انگلیس با ناكامی‌ها و بعضی از برنامه‌های روسیه مبتنی بر عوامل حامی اجرا قواعد حقوق بشر در ایران به شمار آید.

***

کمی هم درباره‌ی ظهور انقلاب در ایران که اعلام مشروطه‌های شدید و موازی با شرایط‌های میان شاه و احراز رخ داد، سخن بگویم.

روز دهم موزو سال ۱۹۰۶، پیش از ده‌هزار نفر از مردم سنت دیده برای شکایت از ظلم و فسادهای به‌نیت حکومت عربی‌ها و جنایات ایران از تجاوز و زورگویی‌های زورگویان‌های قدن و دیگر ایل‌های خودکامه استبداد با پادشاهی در سفارتخانه انگلیس، عزل وزیر و اجرا عدالت مطلقه به صورتی که همه در برای آن محسوب باشند رخ‌واستار شدند. گروه‌های مختلف احراز از تأثیرات این مراجعت خلاف انتظار استفاده کرده و بدون آن دست داد فروصت، پرونی‌گاندایی به راه اندلخت و شروع به تفهیم این که عدالت مطلقه در ایران تنها با اعلام مشروطیت می‌شود کردن. پس از آن بود که دیگر عدالت خواهی به جامع مشروطه‌خواهی درآمد. تعداد احراز در هزاران، تبریز، ارومیه و سایر شهرهای مشهور روز به روز بیشتر می‌شد. زورگویانی که از سال‌ها پیش با اجراه به پر، و بست و شکنجه گوی ایرانیان بی‌تره را می‌کردند، سرت‌زنی را می‌کنند و حقیقی را غصب می‌کردن.

وحشت زده درباره اعطای حق حاکمیت به ملک و تنبیه طیبی‌های آن که بازگردند اراضی، املاک و عقار غصب و ضبط شده به صاحبان شان بود، ابراز نگرانی می‌کردند. از طرف دیگر با درک اینکه به موجب مسایلوی پیشنهاد میان مسکنان و خان از حفاظ حقوق اجتماعی، حقوق طبیعی انسانی و احقاق حق هیچ تفاوت وجود نخواهد داشت، برای محافظات از این منافع تنک نظرانه و امتیازات ممووم، برای تحقق نیافتگی آن و نحوه جنگی تا

از ویلهده، دولت فاجار در برای دخالت خارجی بود.

۱۸ جماله‌اللوا ۱۳۲۴
زمانی که هنوز در آغاز راه بود، می‌کوشیدند. اما دیگر کار از کار گذشته بود. همراه با تلفکف‌های متعددی که از هر سو به مظفرالدین شهاب ارسال می‌شد، اعلان مشروطیت و عدالت همکاری اعطای برابر آزادی برای همگان و مساوات عقومی-که از مبانی مشروطه بود و تصمیم و قبول حاکمیت ملی مطالبه می‌شد. مظفرالدین شاه که دریافت‌های بود و قاب‌های خوشه‌ای در کشور چرخان دارد، فاجعه بار است و چون خودش هم اساساً طبع آزادی خواهی داشت، کاملاً متوجه شد که دیگر مقابله با نداهای آزادی خواهانه و ظرفیت علومی عقلانی و امکان پذیر نیست. سرانجام در روز پنج‌میل آگوست سال ۱۳۵۰ در تهران مشروطیت را به شکوه تمام اعلان کرد. همان سال در روز هفتم تشریف اول مجلس مبسوطن ایران با قرارت نطق مظفرالدین شاه گشوده شد.

اما در آن اثناء و در جوار تبریز و ارومیه، خانها و اربابانی که عليه مشروطه بوده و اساس حاکمیت ملی را قبول نداشتند با زور پول، خیل کبیری از اراذل و اوباش را در اطراف خود جمع کردند. به تدریج و به واسطه آنها شروع به کاشت نمایندگان در میان جهلای مردم کردند. در نتیجه در بعضی محله‌ها میان مjahادان حزب و مرتجی‌ها کم و بیش درگیری راه‌پیمایی داد. حال آنکه حکومت مرکزی هنوز ارکان سابق را حفظ کرده و حکم و نفوذ مجلس هنوز نرسیده بود و برای این اقدامات مرتجه‌ها را در نطفه خفه کرد. مظفرالدین شاه در پاییز مجددات گروه‌های مختلف مشروطه و پی از این بود. از طرفی دیگر رسوی نیز به واسطه اقدامات بعضی عاملان خشونت نزدیکی‌ها و تشنج و تشجیع مداوم برخی اعضای برگزیده داشت. آنان که این واقعیت را به دقت تحت نظر داشتند موقتی بودند فرمان استقرار مشروطه را قطعی می‌دانستند.

در روز سیام یکانون اول سال ۱۳۵۰ مظفرالدین شاه قانون اساسی تنظیم شده توسط کمیسیون مخصوصی که در مجلس مشورتش تشکیل شده بود را امضای کرد. در روز هشت کانون‌های ۱۳۵۰ در این تأسیف- مظفرالدین شاه وفات کرد و پسرش محمدعلی شاه بر قلهٔ[شاهی] ایرانیان نشست. این در حالی بود که محمدعلی دارای روحیه‌ای سخت،
ظالم، جبهر و به معنا و مفهوم کامل کلمه مستبد و غدار بوده، به سبب نظر منفی که نسبت به مشروطیت داشت، برای غصب حق ملت لحظه شماری کرد و و با تمام وجود به دنبال فرنشست مناسب می‌گشت. محمدرضا شاه بیک ماس از جلوس و زمانی که تشویق و تشجیع روسیه را در رسیدن به خواسته‌های ایران انتخاب دید، خشمش خود را با مجلس علیه کرده و از امضای مصوبات امتاع کرد. در همان زمان تأارامی ها آغاز شده، مستبدان در شهرهای برگ ایران احترام را طعمه شمشیر غرب و خشم خود کردن. در کریلا بعضی مجاهدها مزمن را به انقلاب در پاریشآت تشویق کرد و فریاد «با ملت یا آزادی» از هر طرف طلای انداز شد.

شاعر مانند بیرن و حاشیه در قفس، دندان‌هایش را به هم می‌فرشده و به مستبدانی که هر چهارم می‌کردند دستور قتل تمامی احراز و مجاهدان را می‌داد. اما دیگر آن فرمانها و اعمال تأثیر زیادی نداشتند. در ته‌ها، کوه‌ها و مناطق صعب‌العبور و در هر تماشای احراز علیه حاکمیت خودکامه، اعلان جنگی می‌کردند. هزاران ایرانی که با خصائص جوقیردی بیگانه نبودند، به احراز پیش‌های فرمان‌های «مرگ بر حاکم مستبد» را به عیقوق رساندند.

در نهایت محمدرضا شاه دریافت که تیمی هنگام این فرمان و فرمان عمومی را تحمل کند و اساساً به خاطر خودبستگی زیادی که داشت مانند تمام مستبدان مجبور شد برای نجات خود از فلاکتی که ترتیب طبیعی این خیلی شدید بود با صدور فرمانی با مضمون تبعید حکومت ایران از نظام مشروطه، هیجان عمومی را تسکین دهد. در اثنای این کمک‌کرد، در روز سیم آگوست سال ۱۹۰۷ و در پی قتل اتوبکس به دست احراز، محمدرضا شاه به مدت‌یار درجه‌ای خشم و غضب رسیده و بیش از پیش تحرکات را ادامه داد. در کنار این، روز بیست و هشتم تشریان هفتم سال ۳ مجلس برای نگستن بار کابینه‌ای از احراز تشکیل داد و شاه نیز به تاج‌گیری مجبور به پذیرفتن آن شد. محمدرضا شاه در روز دوازدهم تشریان ثانی در شرایطی که به طور پنهان به اعمال فناده‌گری ادای می‌داد و در حالی که با جهادهای پرطم‌ترین عازم مجلس مبعوثان بود با گفت: «مشروطیت مقدس است، تا
ابدا از آن محافظت خواهند کرد. علّاکا سوگند به جای آورد، اما برای چنین حاکمان غدار سیاست پیشنه قاعده «بعد از من طوفان» حاکم است و البته که سوگند و عهد و پیمان برا ی ایشان پی معناست. چرا که سوگند تنها بر وجدان های پاک اثر می کند. اینک از موانعان این حرف این است که محمدرضا شاه در هفته بعد با استنتاج از سوگند خورش مجدداً دستی به مجلس و نظام مشروطه را پی گرفت. به دنیال آن مردم به شدت خشمگینان شده و دوباره آشور همه یا فراگرفت. دوباره قبایلی مبین بر یک ایشان برای رسیدن به آرامش و امنیت راهی جز شکست شده و خلع او وجود ندارد، طنین اندوز شد. در روز پانزدهم کانون اول مدعی شده در تمام مساجد به جرم شکستن سوگند خور و آغاز حیله‌گری منامت شناخته شده و تصمیم بر این گردید که به کاخ هرم زره شود. اما شاه به خاطر اطمنانه که به پشتیبانی روسیه داشت، علناً اظهار کرد که این گونه اتهامات و حملات اهیمتی برا یشان نداشت و فردا آن روز اعتیاده‌ای هیأت خصوصی که از طرف مجلس مبعوثان به کاخ اعزام شده بودند را نیز توقف و حبس کرد. در همان روز با وجود اینکه رئیس وزرا تأبرر الملک را نیز دستگیر و دستور قتل فوری او را صادر کرد بود، به خاطر مداخله شدید سفیر انگلیس، تا پیشرفت از پنجاه خبر این که پاشا یافت و توافق با واسطه‌گری سفیر به اروپا فرار کند. دیگر در آن اثنای کم شایعات مبین بر پشتی شدن مجلس مبعوثان به گوش می‌رسید و این در حالی بود که محمدرضا شاه این شایعات و روایات را تکذیب نکرد.

از اینجا مشاوران روس حاضر در ایران دانست توصیه به منان و فعلیت، ثبات و مقاومت می‌کردند و درباره کمک روسیه تحت حضوری به او اطمنان می‌دادند، ظلم و بیداد و تمام بدهی‌ها که از خصوصیات و البته استبداد بود، درباره در ایران گستردگی و مستقیم جوان مارهای زهراگانی به آرامی سریب‌اشان را از خنثی‌گامه‌ای شان بیرون می‌آوردند. به دنیال ووقع این بحث شدید در احوال عمومی، مهجودین حربت در پایتخت.

1. «بنیدن صخره طوفان»، این ضرب المهین زمانی که کار می‌رود که برای گوینده آن اهمیت نداشته باشد که پس از اظهار شدن کار بای حل شدن مشکل او جه اتفاق یافته. تا حدودی معادل این ضرب المهین فارسی است که: «دگیکه به یادگ ری به خوشه، گله سگ توش بیوجوشه.»
2. 10 ذی القعده 1325.
3. باش و کلی
گونه خطری سیته سیر کرده، مجلس می‌خواند را عمل‌آمیز یاد می‌کند، محروم شده از بیشتر از داستان آمد مردم تسریع و محروم به قبول بعضی خواسته‌های مجلس شده. معاون‌ین که به این مقدار اکتفا نمی‌کند، کاخ را محاصره کرده و اعلام نمودند در صورت برآورده نشدن خواسته‌های آنها می‌برند و تبعید وزرای مستیج و مشاوران جهادگر که کالخ و آلفوده کرده‌اند، آنها را با تمام ساکنانش نابود خواهند کرد. دو روز بعد شاه با وساطت و بی‌نشان سفری رویه و انگلیسی به مجلس رفت و بدون کمترین خجالت علناً دربار پایین‌تر به مشروطه دوباره سوگند نداد کرد. آیا این بار وفایه به عهد شاه قابل باور بود؟ خیر! احترام صاحب فکر و دارای میانیت طبع نیز به خویسی می‌داشتند که این سوگند هیچ تأثیری بر شاه نخواهد گذاشت. فلذا از تکمیل و تقویت نیروهای خود غافل نشدند. آن‌پس به سبب ظهور دوباره ارتجاع در ایران، شاه به امید استفاده از این شرایط، شروع به افزایش تعداد سپاهیان دشمن خود کرد و برای مبارزه آماده می‌شد. این در حالی بود که مرطعان را نیز به صورت پنهان تشییع می‌کرد و به آنها می‌گفت که در صورت موفقیت شان به انعام و پاداش های گوناگون خواهند رسید. چند هفته پس از آخرین سوگندش، فریب‌دان خان از ثروتمندان ایرانی که به کمک مالی به احترام مهند شده بود، به قتل رسیدا نظم و آرامش ظاهری غی توانست اهل بصیرت را فریب بدهد. مطبوعات که تا آن زمان دچار خفقت مطلق بودند، کم کم صداشان را بلند کرده و شروع به شکایت نمودند. مطبوعات دیگر به طور مستقیم و بی‌واسطه به کاخ می‌تابدند. تعداد انجمن‌های سیاسی هم زیاد شده و موجب سیاسی شان (روز به روز) فروزان می‌یافت. وضعیت بدنی رالی ایام داشت تا اینکه در روز بیست و هشتم شباط سال ۱۳۰۸ در حالی که محروم شده و هیاهانش از مرکز حربه گذشته‌تر، سه بمب به سوی ایشان انداخته شد... اما شاه مستیج از آن‌ها سوزی‌یاب خود روز هفت فجر در روز هفت حیران! دستور داد بعضی از ارکان حکومت را به موجب نقش داشتند در این اقدام دستگیر و تحت نظر بگیرند...
در آن اثنا بین سفرای انگلیس و روسیه هم اختلاف به وجود آمده بود. بکی مدافع حقوق مرابع و دیگر مدافع حقوق شاغل بود. محمدعلی شاب با استفاده از اختلاف به وجود آمده بین سفرین روز بیست و دوم حزيران با سربازانی که تحت فرمان زرنال لیاخوف بودند، ساختمان مجلس میمون را محصور کرد. احراز با کمال شجاعت و دلیری مقابل به کرده و پس از پنج ساعت مقاومت در نهایت مجبور به تسليم شدند. در دستور شاغل به یک صد و پنجاه تن از احراز دستگیری شده و بی‌شانه این که به قتل رسیدند. محمدعلی شاب که خود را خوش طالع بنده شده بود، به اشتیاگ گر می‌کرد که پس از این ضربه به همیشه دیوانه کننده، هیچکدام از مخالفین دوباره جرات به راه اندیختن جنبش و حرکتی را به خون‌نگهداری داشت. اما [فلاح آن بود که افکار آزادی خواهانه پس از آنکه برای یک بار در صحن آزادی خواهی تجلی پیدا کند، دیگر از بین خواعند رفته... در هر روز دیده که اقلابی نیز برای ارباب حمیت و طالب مسرد، مضحکه و جدای و برای مسیحیان، ظالمان و فریاد تازه‌گاه تهدید و عبرت بود.

محمدعلی شاب پس از این جنایتی که در برای مجلس انجام داد، می‌گفت: «نیاکان این تاج و قبیضت را با خون و شمشیر به دست آورده‌اند؛ من هم این را با خون و شمشیر می‌توانم بازگردد» گوید که مملکت به یاد استیلای دشمن افتاده و ایران در آستانه نابودی بود. پس از آن بر ایران همچون گذرش رخوت، ترس، خفقتان و هلاک حکمران شد، مانند مردای... از هر طرف بی‌خود رخوت به مشام می‌رسید. بلبه! ماه عسل حربت در ایران به زودی تمام شده بود. حیات حربت [تنها] به اندیشه گل‌هایی که در صیب غاهان بهاری‌ای اطراف تهران صورت دل آراش را نشان داده و پس از یکی دو ساعت محو می‌شوند، حکمران شده بود.

دیگر به تهران امید به نیست؛ در آنجا حیات حربت رنگ باخته بود... احراز که به خود یافته این فهمیده بودند، تبریز را به عنوان مرکز انقلاب و اجتماع در نظر گرفتند. از آنجا که احراز نه تنها توانستند در برای این ضربه که تا عمق روح ملت نشسته بود سقوط کنند، لوان حربت را در آنجا به اهتزاز درآوردند. قرار بود بزرگ تبریز مهد حربت باشد و مقدسات ایران در آن مرکز حربت تعزیه‌گردد. انقلابی که فعالیت و کوشش زاکوئن‌هاي انقلابی بزرگ
فرانسه را تداعی می‌کند. در آنجا انگیزه‌های متعددی تشکیل شده‌اند. این‌ها شروع به
زمینه‌سازی بروز وارد کردن آخرين ضریبهای مولتیپل بر ایننهاید کردن.
باوجودانه‌که معمولی‌شان با استفاده از خنافون و ریخته‌عملی‌که در تهران حکم‌رفما
شد بود، تلاقی کردا در تبیین هم قدرت خود را توکیو کند، [وی] سربازان درخیم این
حاکم مستبد در برایر مقابله و مقاومت جانشپاره‌ای احراز مجدد مبی‌زا یاران شکست شدند.
در حالی که سپاهی‌های ایلیلی‌که حاضر بویدن برای وطن از جانب خروش نیز
بگذراند، با تلگراف‌هایی که به شاه می‌رسیدند ندایید: «ما برای آرامش و حریت این وطن
تلاش می‌کنیم، شاهان مستبدی جورن شما توانید ما را از هدف مانصرف کنند.» با مرحبا با
حریت، اینک این است آرزوی مقدس ما...» را می‌دادند. فارمشده و چنان نیروهای
احراز می‌کرد هم آمده بودند. ستار خان بود. ستار خان می‌توانست به این از آزادگان و
غیرت‌که صفحتی تاریخ انقلاب ایران را تا ابد در اوج نگاه خواهد داشت. عالی‌جاناب و
فداکار جوان‌شوری بود که در راه وطن از ایثار تمام وجود و دریغ نداشت. سربازان شاه که
تبریز را محاصره کردند، آنجا را به طور مداوم به توب می‌پستند. ساختن‌ها، موسم‌ها،
عمومی و خصوصی را به آتش می‌کشیدند. ستار خان به آنها که با ترس فرار می‌کردند
می‌گفت: «اینجا مرز حریت است، هیچ کس به اینجا وارد نمی‌شود و وارد نخواهد شد.
اینها که خندانی غیرقابل تعرض است. [فقط] کسی که به توان‌های جان او بگیرد خواهد
توانست تبریز را تصرف کند.» این سخنان آینه‌شان تمام‌نی‌علیه افتاده ایست. ستار خان توانست
هسودا لوای حریت را در بالاترین نقطه نگاه دارد. لشکر شاه در برایر آن لوای پیروزی
تارومار شد تا اینک تبریز روح حیات مشروطیت و خورشید درخشان حریت ایرانیان شد.
فیصل‌پور، حکم‌که به تبریز بود، رحیم خان را با سربازان و
محصولی کافی به تبریز فرستاد. لکن هم رحیم‌خان و هم علی‌الدوله که پس از او
اعزام شده بود، دیار شکست‌سخنی شده و محبوب به عقیق شیخ‌نشینی شدند. شاه پس از آن،
فرمان‌فرما را که سه‌بار دیگر بود به تبریز فرستاد و این‌بار به همان گونه دیجینیره‌کت‌شد و
نگذر پرا‌بازگشت.
ام‌ا‌هالی تبریز در نتیجه فقدان مواد غذایی به منتظری درجه فلکت و درمانی‌گی رسیده بودند. علت شاه با بستن راه آب، برای تسهیل احراز به هر کار رزمندی، زیر سنگنهانگی از هر سوی به یاری مدادی و معنی‌های اهلی تبریز تلخ و نحوه صورت گرفت. ایرانی‌ها که در استان‌های بودند، همان‌گونه که با ارسال تلگرافی به شاه اعلان مشروطیت را خواستار شدند، برای یاری اردوی احرازی که در تبریز گرد هم آمدند، بودند مبالغی را از میان خودشان جمع‌آوری و ارسال کردند. زنان ایرانی برای یادانه دادن به درگیری‌های خون آلود یپر در تلگراف‌های متعددی به شاه ارگلیس و تزار روسیه ارسال کردند و در خواست و استحکام شان شنیده نشد. سفیر ایران در دیروزات جنابت پرنس میزراخی، دانش و دو رای این اثنا با ارسال چهارصد لیتره عثمانی به ساری‌خان، غیرت خود را نشان داده بود.

"محمدعلی شاه وقتی که با خزانه خالی مواجه شد و شکست را تهدید دید، به فکر استعفا از اینگلیس و روسیه شد. اما شاه متوسل دادار هفت‌گانه که تا زمان گرفت و دفع ناقامی‌ها و بازکشت قطعی آرامش ارزی نسوداد. به دنبال آن، محمدعلی شاه که دیگر امیدش را به کلی از دست داده بود به یکی از ازبط‌خمند‌ترین خزانه‌های دنیاکه خزانه‌های [ایران] بود چنگ انداد. تصمیم برای شد خختی که در خزانه‌گاه غیر قابل ارزش‌گذاری بود و نقش‌هایی که با سنج‌های قیمتی و کیفیتی، شده‌که موفقیت ایران را با ماسه‌ها نشان داده‌گرافشان سیده، و تا کنون می‌سیمی آنها، را نتیجه بود، برای دیریافت ده میلیون فرانک به عنوان ودایه نزد یکی از بانک‌های اروپایی قرار دهد.

شهر تبریز ماه‌ها مقاومت کرد و در حالی که ستارخان امیدوار به پیروزی بر محمدعلی شاه بود، ارتش روسیه با ورود به تبریز آن مرکز حربی را اشغال کرد. محمدعلی شاه گان می‌کرد دیگر به صورت قطعی به پیروزی رسیده است، و هنگامی که درصد آغاز حکومت به شهوت دلخواه‌بود در جایی دیگر با طرفان دهشت‌ناکی روبرو گردید. همچنین شاه علی‌دیر شده بود که اردوی احراز به سمت تهران آمد و درصد محاصره آنجاست. در نهایت وحشت بر آن شاه غدار مستولی شد. در روز هفتمی حزیران سال 1909، اردوی از احراز با بیش از چهار پنجه‌زار نفر از سمت قزوین و اصفهان، تهران را محاصره کردند. اهلی ترسيم‌های..."
در شهر هیجان عظیمی حکمران شده بود. حکومت وقت فهمیده که توان مقابله با احراز را
نداشت. تلاش کرد تا به واسطه سفارتخانه‌های انگلیس و روس به مسکن را به صورت
مطالعه‌ای‌محل کند؛ اما اسکار خان که تا آن زمان چندین بار قربانی فریب‌کاری‌ها و
دسیسه‌های شاه دیده بود، تصمیم گرفت داشت تا برای آیین‌های دیگر به درس عربی برای
شان بدهد. محمدعلی شاه برای اغفال اهلی و تشویق آنها به مبارزه فرمانده صادر کرده بود. مبنی
بر اینکه: «محاضره کنندگان تهران، گرچه ها و ایرانی‌های هستند که از قفقاز آمدند، اگر حب
وطن دارند در راه دفع آنها از پاینخت اجدادمان غیر خود را نشنان دهید.» سفارت
انگلیس و روسیه که فهمیده بودند این کار منجر به گنج و خونپزی و حشتناکی خواهد
شد مانع گردیدند. ابتدا عشایی به سفارتخانه عثمانی پناه‌نده شدند. ایرانی‌ها نیز در
حسن آباد جمع شده و برای مقاومت آماده شدند. صدرالدین بک کاردار سفارتخانه براپ
پناه‌نگاه به آنها تجدییر از را تدارک دید.

روز اول فوز اردوی احراز با حمله شهر علی موفق به تصرف بعضی قسمت‌های شهر
شدند. احراز و محاصره که در شهر بودند، به مهاجمین ملحق شده و طی دو ساعت شهر
را تصرف کردند. شامگاه، احراز با گشت‌زنی در تمام کوچه‌ها و در حالی که در دستانشان
پرچم داشتند، به مردمی که دچار ترس شدیدی شده بودند اطمینان و آرامش دادند. یک رمی
خان و صمصام السلطنه در رأس اردوی احرازی بودند که تهران را تصرف کردند. در اثنای
درگیری، یک سوار از احراز و بست و پیچتن از افراد شاه کشته شدند. حوالی ساعت
چهار شب بود که صدای [شیلک] توب طنین انزد شد. سربازان شاه به عنوان آخرين
حبه برای پیروان احراز از تهران با شیلک توب خلقت را شروع کردند. فردای آن روز
محمدعلی شاه با اعضا هیئتی نزد فرمانده احراز اعلام کرد که جنگی طی شش ساعت از
تهران خارج نشوند تمام شهر را به توب بصیر و مردم را کشتند و نابود خواهد کرد؛ در نتیجه
احراز دوباره حمله واگذار قرار گرفتند. در نهایت محمدرضا شاه به فهمیده دیگر توان مقاومت
ندارد. مجبور بپناه‌گردی به سفارتخانه روسیه شد. سه‌هدار ناصرالسلطنه به عنوان فرمانده
سیاسی قهرمان سفارتخانه روسی به معماری شاه تصمیم مجلس مبتنی بر خلخ او را
ابلاغ می‌کرد، شاه مستبد اشک می‌ریخت. برای دعوت جانشین او، فرزند او هامدیارا به تخت [شاهی] هیأت مخصوص عاشر کاخ شد. احمد میرزا که هنوز دوازده ساله بود، در نهایت به معلم او موسی اسمیرنوج مراست کرد و از او خواستند تا احمد میرزا را قانون کند. معلم به هر سختی که بود توانست شاه کوچک را راضی کند و با چلسی این طوفان معصومی که لازم از تخت ایران پاک شد. با وجود اینکه حکومت روسیه برای اقامت محمودعلی شاه در مسکو کاکی در نظر گرفته بود، اما او اقامت در کریمه را ترجیح داد. استاد المالک به عنوان وصی شاه جدید تعیین شد. فرد نامبرده بکی از بزرگترین طرفداران احترام ادریران بود. مدتی بعد که ظلم السلطنه می‌خواست وصایت را از استاد المالک بگیرد به سبب بعضی عوامل خارجی نتوانست موفق شود.

پس از خلع محمودعلی شاه، هم‌زمان با اعلام اندازه وسیع زیادی از مستبدان و مرجع‌ها در هزاریان اعتراف شدند. در میان ایشان طالبانی همچون شیخ فضل الله مشهور، حاجی میرزا، علی‌اکبر جلال‌الدوله و غلامحسین خان نیز به جمعش می‌پرداختند. روز نخست تحویر [سید محمد خان] صنعت حضرت و منفردراده رازی به دار آویخته شدند. فرموده سیاهی مخصوص محمودعلی شاه ثزاز لبایخوی روسی که فهمیده بود دیگر نمی‌تواند در ایران زندگی کند به روسیه فرار کرد. زمانی که احترام ایران با انشا این همه مذاکره را به دست آورند، بعضی افراد فرموده که بیان وجود دختم مشروطه بودند. عشیره شاه‌سواران ۳ را در اردیبهشت به شورش کشاندند. سابعیت مبنی بر اینکه ایشان با اروپی بیست و یک هزار نفر به سمت هزار حکمران کرد و محمودعلی شاه را مجدداً به تخت خواهند نشاند، احترام را تگزرس کرد. در نتیجه دنی‌بردنی سال ۱۳۹۹ اردویی از احترام که عليه این افراد فرش داده شده بود، شویشان را در اردیبهشت تارومار کرد. از مبان مرجع‌های معین، رحمه خان از تمرکزات و افسادات

1. طبق گزارش هنری نویسنده، روز اول تحویر عادلزاده دهمی دوشنبه ۰۹ ژانویه ۱۳۲۹، روز حمله عجایبین به تهران بود.
2. حال آنکه اعدام معنایی مشروطه جدید پس از انتهای تاریخ رخ داده است. با توجه به تاریخ اعدام صنعت حضرت که ۱۲ می‌باشد ۱۳۲۹ ق. است، باید اشتیاط نویسنده را تصحیح کرد، تاریخ سی و یکم ماه ۱۳۰۹ خ. را در نظر گرفت.
3. منظور علی‌خان مفاخرالملک است.
4. به احتمال زیاد منظور طاویف شاهسون است.
دست بر نداشت که هیچ، بالعکس و با تمام توانش متوجه الگی خوف و وحشت به تمام مردم اطراف آذربایجان بود. برای تأديب او گروهی به فرماندهی یافتن خان فرستاده شد و در درگیری که رخ داد این شریف به کوهنی ای که دیگر توانان خود را جمع کند شکست خورده و نابود شد. در نتیجه این موفقیت های پی در پی، وقایع اسفناکی که در این سو و آن سو رخ می داد نیز کم شد. ایران که سال ها روز خوش‌شدیده بود دیگر تا حدی راه خوشبختی را در پیش گرفت. اکنون وضعیت به هنین شکل ادامه دارد.

فناکاری هایی که یک تاریخی ها در به نتیجه رسیدن مشروطیت نشان دادند، به اندازهایی که در تاریخ و روزگاران والا شمرده شود بزرگ است. این عالی جنابان قهرمان که برای از میان بروند نکنیم که سرتاسر ملکت را فراگرفته بود تلاش کرده و ملکت را از پرگاه انفرادیت نجات دادند. وظیفه‌ای که در برابر وطن‌شنان داشتند را به صورت کامل ایفا کرده و همیاره‌ای ایفا خواهند کرد.

بخشی از امور ایران به علت مسائل مالی بدان دچار شده است، می‌رود که این کشور را گرفتن شرایط خطرناک سیاسی قرار دهد. امید است ایرانی که با توان خود توانست از ظلم و استبداد رهایی بیابد، بتواند خود را از امواج خطرناک این بحران نیز نجات دهد.